

جای اداره کتبا

مهر - غلامین کنانی

ملکرافات و مکاتیب

باید بعنوان ذیل باشد

فومن - جنگل

هر چهارشنبه و پنجشنبه

گفت و گوشت تنهایی

گفتگو

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لایحه و اعلانات

خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضا

و عنوان پذیرفته نمیشود

دو اشراک بعد از شماره یافت میشود

قیمت اشراک

بجمله ده تومان

تاریخ یکشنبه شب و سوم صفر ۱۳۳۶

این روزنامه فقط نگامسلمانان و متور افکار اسلامی است

کابینه جدید، سروده جدید

یکت عالم تحریک

تقیب نظریات و مقالات ما که در شماره ۱۷ جنگل اجمالاً بعرض قرار نمیدیم کاتب آقای (علاء السلطنه) پس از یک سلسله سخنرانیها و آواز، یک رشته لرزل حیرت خیز، و یک تمیم تعجب آمیز و سایر خصوصیاتش که موجب انجذاب آن می شد منحل بالآخره ویلیومی دربار لندن با جرمی خیالات خود موفقیت پیدا نمود

کابینه آقای بن الدوله با اعضا، میان العقیده و اشخاص متخالف السبقه تشکیل گردید رسالت کدام دست قدرت، مهارت کدام استاد و ما هر جمع بین الاضداد نموده و اشخاص متضاد السلک را در یک مجمع باسم کابینه وزراء ترکیب نمود لابد معلوم است

بانی آنکه تصریح باسم کرده بعضی افراد کابینه را مدح و بعضی دیگر را قدح نموده و موردین تصور کردیم که مارج و قارح این و آنیم بخت

و بعضی دیگران دبی آنکه خود و دیگران را جاهلان فریب داده و با اثبات بلاهت و مخبری برای خود نمایم میفرمانند اظهار عقیده نمودند این موضوع نذاکره میکنیم

آیا یک همچو کابینه مختلطه از اشخاص مختلفه که در همه چیز با هم مخالفت نظری و مباحثت عقیده دارند امروز میتوانند در واهی بارها دو کرده بدختمهای متراکم و سیلهای خانه میان کنی که از هر سو متوجه باین سرزمین بلا دیده، باین کشور محنت کشیده گشته معالجه و جلو گیری نمایند

با اینکه با زخم همان عامل نوثر خارجی با تر دستی مخصوص خود بوسیله همان وصله های نازیبا و ضمیمه های غیر مناسبی که بهر طریقی بود در کابینه حاضره موجود نمود و اجزاء عاقله این چرخ تازه بکار افتاده را هم از کار باز داشتند بی آنکه ذره فایده و منفعتی بملت نظر اصلاح تیره بخت پریشان روزگار

ایران باید گردد خود آنچه را میخواهد برده و منتفی
را که در نظر دارد تحصیل نموده ایران و ایرانی را
با فلاخن نیزنگ مروراند بدو غمیسق منقی
و قاپر تاب نماید .

بحث در این موضوع و تحقیق در جزئیات
این سند یک نوع تجر سیاسی و یک قسم
اطلاع عمیق لازم دارد که ما را در گوشه جنگل
حصول آن تجر و کتمن غیر مستور است ولی
بهدر که مقصی معلومات ساده و اطلاعات
سطحی جنگلی است و باندازه که محیط ادراک ما را
شایسته است در این ورق پاره مذکوره نموده
عقیده خود را ظاهر میکنیم .

چه حسی در ثبت این تلج مشاهده شد؟
چه فحشی در این تالیف پر ضرر جلوه گر گردید؟
چه عسر حرجی در مقابل این فرضیه عرض اندام
کرد؟

چه پیش آمد؟ چپ نفر که علنا با دلائل مثبت
بخدمت گذاری اجاب معزنی گشته و در خدای
نوبت کفالت با مورات دولتی جراز فساد؟

خرابی ، بر بادی مملکت ، تفرقه جماعت ،
تسلط اخبار ، باین دیار چربی باید کارنگذاشند
امر و زباید با عناصر صالحه ملت در حال فعال
وطن برست ضمیر نموده و فسادیت این عدا
عملیات صحیح آن عده صحیح العمل را فاسد نماید .

صحیح و فاسد تو اما کار نخواهند کرد
نیک و بد با هم نخواهند ساخت حق و
باطل یک جامع میشوند .

یک فابریک با یک ساعت که دارای
اقسام لالات و ادوات مختلفه است و قبله
یکی دو جزه از اجزاء آن ناقص باشد بقیه
اجزاء و آلات را از کار انداخته با تیره و چار .
توقیف و تعطیل نماید با اینکه اگر هم کار کند
پرویه و بی حاصل خواهد بود .

حق ضد باطل است باطل ضد حق
تطبیق حق و باطل ترادف صحیح و فاسد
جمع نیک و بد بکدام فلسفه بکدام
منطق از روی کدام حکمت و بر طبق
کدام ترتیب عقلی و علمی ممکن است

نصیحت

بسم الله الرحمن الرحیم ؟ چندی که رشته طوایف ایران پیوند متصل برشته سلطنت مستبدانه بوده بمرواریم و شعور و عوا
و علوم و اسباب آداب بجای صل و مندرس مانده فهم نمدک باو هم ضلک مشتبه و گمنام شده علم را دور
جوانی گذشت و خلق را ضل ربیع منقض گشت و از رسم اسی مانده و از حکمت و کلام حرفی بر زبان مانده و بر
رئیس بر خلاف طریق سیر نمود و از هر وزیر بی جا و کار دوزیر مغزی ذخیره و جسم و دنیا را و از هر عالی ملک و عقده
باهت مانده و از حاصل ریخ ضغاء و زیر دستان هر یک علی حسب نفوذ و هم تسلط بهم تحصیل گنج نموده و بتوئی
خرابی و لایات و شهنوی تصبیغ نفوس و تنگ دماغ از هر مل و نخل است کن در ایران شده و بهیچ بی کفایت معاش
گردیده در قه رفته ایران بسا جان نفوس آثار و منافع و عایدات آن بدوی الشهوات منقض گشته و ابواب

شماره نود و نهم
بایکی ازت
سازیم با
تعبیر مملکت
که سالها با
باید
مقارنت با
نیت خود
باید مگر
موتن و ظاهر
خارجی و مخفی
ایم تولید
پرست از کا
مالایق خائن
و نظریه
از این دو عطف
ملک خود
طریقه آنها
هم غیر ممکن
باتویش
نیل عادات
اسلام گردید
السنجس الجس
تانه باقی
الاصفر از سال
احمدی فووخ
مردان بغیرت
شد و تبدیل
بقیة صافیة

با یکی از آن خرابی در این مورد خود امتناع
 سازیم یا باید بگویم اعضا فاسده این کابینه
 تغییر میکنند و بر خلاف طرفه وقت خود
 که سالها بان خود کرده اند ابراز صحت عمل نمایند
 باید متعهد شویم که انقضای صیحه این کابینه برای
 معارفت با اشخاص فاسد صحت عمل دیگری
 نیست خود را بدرد رسکونند.

باید بگویم که عضویت چند نفر از اعضای سابق
 موافق و ظاهر ساز می است اخرا الامم بقاراً
 خارجی و محمد و رایکه مکرر امتحان کرده و دیده
 ایم تولید نمایند مستدرج و در این وطن
 پرست از کار کناره گرفته بجای آنها اشخاص
 نالایق خائن بغضت کابینه معین خواهند شد
 دو نظریه اولیه را بلا تامل رد میکنیم زیرا بیک
 از این دو عنصر (صحیح و فاسد) بر خلاف
 ملک خود رفتار خواهند نمود تغییر رویه و
 طریقه آنها همان تغییر اهمیت است و تغییر جهت
 بهم غیر ممکن است بناچار شق اخیر تسلیم کرد
 با توشش ذهن و اضطراب خاطر باید مظهر باشیم

که بجرانهای بی درپی شروع گشته و این ملک
 محتاج مانا چندی هم برای حدودش همان بجران
 و زلزله بلا تکلیف و متزلزل و محروم از
 اصلاحات لازمه گردیده.

بعد از اینکه دیلوهای اجنبی بوسیله بجران
 نهایی متوالیه موفق بتخروج و زراسی وطن پرست
 از کابینه شد بجای آنها با اسم ترسیم و ضمیمه دیا
 عمادین دیگر کسانیا که باز هم بچه روزه می از دیر
 باز تهیه نموده و حاضر دارند بکابینه عمل کرد
 آنچه را که سالهای دراز برای حصول آن این همه
 فضایح و مخایع را مرتکب گشتند و باز روی
 اجرای آن روز مسکد رانند موافق خواهند
 شد.

عجبه

ذات مقدس شاهانه که پیش از همه علقه
 مندی این آب و خاک است بهلا و تعلقاً
 خود کفالت، غمخواری، حراست این همه
 و دایع الهیه را در میگاه خداوندی بمضمون
 کلکم زراع و کلکم مسئول عن رعیتة عمده دار
 و قانون اساسی هم حفظ حقوق ملت ابد است

نیل سعادت بر عارض ملین مسدود و از اسم غازیان و جنگ جوان دفاتر نظامیه مسوده و نتیجه زوال اعتبار
 اسلام گردید تا دوره محمد علی میرزا چنان مستغرق بجار ظلم و فتن شدند تا هم متوطنون فی دارالرض و مسوطنون فی
 النجف النجش گردیدند که احاطت علیهم لجز النقص و خوف منهم نفس النفس و بوجوبی رسیده که از عدل نمونه و از این
 نشان باقی و یادگار مانده و جمله کی ناکسات الروس من ایدی الکفره و الفجره گردیده نور نار و غیم یوار و بی
 الاصر از شمال و شریک او از جنوب دست تعرض بجزیره اسلام گشوده طاعت فرمان ایزدی آیت پیمان
 احمدی نمون گشته فاحاطت علیهم دائره السوء و غضب الله علیهم و لغنهم تا آنکه جمعی از خود گذشتگان و از کار آمد
 مردان بغیرت دین داری و بهمت وطن خوایی تحمل صدقات مالی و جانی بلکه ناموسی و متاعب و مشقات
 شدند و تبدیل سلطنت متبده به دولت مشروطه نمودند و نام نامی خود را در صفحہ روزگار بیادگار نهاده و
 بقیده صافیة خود آسایش فراهم خواهد آمد و شمع بازار دین و صیقل زنگار کین تهیه شود و مصداق امور مظهر علی

اندیشان قدیم داشته .

در این تصمیم ملوکانه و تعیین این کابینه غیر متجانس با اطلاعاتی که پیش از همه باحوال روحیه هر یک از رجال درباری دارند و آنچه امتحانات کثیره که در این مدت قبیل جلوس برار یک سلطنت فرموده اند چه مقصود و براتقیب میفرمایند؟! آیا صدمه و خسارتیکه از این عناصر نطال و از این فرزندان ناخلف وطن و از این جاگران خیانت پیشه دولت ظاهر شده و میشود پیش از همه شخص اقدس ملوکانه متوجه نیست؟

آیا اثرات سوئی که از زوال یک دولت و برپاوی یک مملکت ناشی میشود بمقام سلطنت پیش از سایر افراد عجت توجه نخواهد نمود؟! در چنین حالی یک چنین کسی هر باطری را بلاشبهه تجیر مصادف میکند .

مسئله وزارت تشکیل کابینه و دور زدن این شغل مهم خطیر در بین یک عده که در زعموم ملت ایران و ملل خارجه غیر از دوستی بهمیه چیز معرفی گشته اند یک معمای لاینجلی گردیده که ای

بسا اسخاص عالم از حل آن عاجز و تفکر در آن قلب هر تفکر بر امور آن عجب ترقیبی است ، طرفه محشری است از ذات مقدس شاهشاهی آبا و اجدادنی رعیت برآ مینماید که چند نفر معین فاسد ، خائن ، عامل و کارکن اجانب بوده و مسند و برای خود بیگانگان بجوایران اقدام دارند با اینحال همین عده گاهن وزیر گاهی وکیل ، وقتی حاکم ، جنگا مشا، زمانی مشیر ، بهر طرف که توجه میشود باز همین گروه در مقابل جلوه گرفته و کفیل امورات ملت میگردند .

همگی تصدیق میخایند آنها داریم ، همگی مطلقیم که مملکت بدست آنها رو با نهد ام و زوال میرود با این وصف نه از طرف دولت مجاراتی نه از ملت مکافات !!!

عجبا این ایران ، این مکن شیران این مولد داریوش ، این معطر الراس سیروک این مطلع مردمان فوق العاده ، این مشرف تربیت ، این عهد تمدن فوت ، امروز وادی

و دادخواه بود تا عرصه آفاق از گردنفاق پیرایسته و شاخ بلا بریده و بیخ ستم برکنده و پای فتنه شکن دست رفته هیئت آید و فروغ ایمان فرورد و جهان از عجب علت پرداخته شود و بگردش روزگار اعتدالی رویدد و هر چه به امن و امان باشد و هر چه آرد اسلام و ایمان افسوس هزاران افسوس دوازده سال از عمر مشرود که گذشت و هیچ از غلیت بر روی اساسی گذشته نشد که کوران فریاد اصلاح زدیم و بتنادب و تبادل کابینه در هر سینه بکه در هر شش ماه و در هر ماه کثیر از ماه اصلاح امور را دست عده حواله داریم و زمام امور را در کف طایفه نهادیم عمر غر غلکت با سیاست غلط کارانه و اقدامات احمقانه گذرانده و آنها هم جالب منافع شخصی و طالب مقام موروثی و از فکر تحصیل منافع جمع آوری مال و تغییر لقب بسر زاری و سپه سالاری و با از خود سترنی بوقامت کردن و مضاف به خود سلطنت و بادول نمودن و با از ماده ف و خ و را و با از خا و و یا و را و با از ع و ض و ذل اتحاذیت مصدری مثل اعتقاد و فخر و با اختیار لقب بینه منقولی و خود را در عقب مسؤل دانستن خارج نشدن و مغت فرو با مفاخر شدن و با بام

شماره نوزدهم
فاموسان
مبد، جمال
لبونها جمید
را عاجزیم
گرفتارند
که این خائنین
ناموسان
تن بزر بار
و خارت را
یک نفر پیدا
این خائنین
ای ک
و عزت و کلا
همه شما
از سر این
که رای بر باد
اگر مقصود
دارید
اگر تحصیل

حرکات اعمی و با
محو کردن و هر
و حرفا مسؤل
دریاست غلط
جنوبی و شمالی
چند سال که
از کوهها از پ
دست بزرگ
بر اینها استغنا

چهارم
آن
ست
ان
عرب
عالم
خوش
لین
مک
باز
موت
تعلیم
میرود
بارانی
سیران
سیروک
مشرق
روز و ادوی
ت رخنه
دو مرتبه
شش
هر سه
مخبر
بیل
ن و باد
اعضاد
مدن و با

فاموسان، معدن بی حیثان، منع مخالفت،
مبداء جعالت، حیای دولت و ساریت گشته
لبونها جمعیت رفع تجاوزات معدودی قلیل
را عاجز نموده خارت می بینند، همه بصدقه
گرفتارند، همه مظلومند، همه مشاهد میکنند
که این خائنین دیانت، قومیت، عرض و
ناموسشان را تسلیم اجانب نمایند با انحال
تن بزرگوارت داده و تحمل همه قسم مشقت
و خارت را بپذیرند و در تمام این کشور وسیع
یک نفر پیدا نمیشود که بنام دیانت و انانیت
این خائنین را برای خود رساند.

ای کسانیکه سالها در این ملک ریاست
و عزت و کاروانی نشو و نما کرده و وطن پیش از
همه شما دوستی حق است دیگر پس است
از سر این مردم به نجات بر دارید این چه سعی است
که برای بر بادی وطن پیدا نموده اید !!
اگر مقصودتان ریاست بود که سالها
دواید.

اگر تحصیل ثروت بود هر یک بجدا کمال بکنید

بعد از این بنام دیانت، ابرائیت از فرس
باقیاننده این ملک صرف نظر کنید، و این
مردم بد نیت را چندی بجای خود و اگر چه
شاید توانستند قدری چاره بچاگی همی
خود نموده، شاید موفق شدند که دست
دشمن خارجی را کوتاه کرده، خرابیهائی را که
شما در زمان ریاست خود تهیه نموده اید اصلاح
نمایند.

اگر در این مدت بوطن خدمت کرده،
اطهار ریاست و کفایت نمودید همین مقدار
کافی است قدری بجا لگ خار چه تشریف
بلل سایر بلاد و بجهت که از وجودات منفعت
شما منفعت شوند و آنها را از دستکاری و سخت
عمل شما مستفیض نمایند و با اصلاح خرابیهائی آنها
اقدام کنید، ایرانهارا تا این اندازه خدمات
شما کفایت میکند.

اگر هم خائن و وطن فرس و بی لیاقت
هستید تا این مقدار را کافی دانسته چندی گفته
کنید!

حرکات اعمی و باگوشش نشو اسکنات گرواصم دشمنان و اسم مقصد و کینه کار را از میان برون و مجازات را با سما و سما
محو کردن و هر چند روزی چپسره نمائی نمودن و بواسطه سرعت سیر عمر هر دوره و گذشتن هر کو که بزودی خود انفا
و حرفا مسئول دشمنان که در چند روزی رسماً اتبه خود را تانین نمایند و از اعطاء امتیازات بجا و با از دادن حکومت
و ریاست غلط کارانه جمع آوری مال کردن که بهیچ دوره تاریخی از خود بیاد کار نگذاشته و خود را بعد بمساجان
جنوبی و شمالی دانسته و بهدانه با ملت گذرانند و مجور اوارات را از چرخ و رفتار و حرکت انداختند و در این دوره
چند ساله که جنگ بین المللی حادث و در اوجی نمود با آنکه خود آنها گرفتار هر گونه انواع از محن و بلا و در میان آنها
از کوها از پائین و بالا غریق و گرفتار شده و همه مع ذلک آنی از شناساری موجب نجات و استخلاص ملت خود
دست بر نهشته اند و غفلت ندارند و عقیده سرفرد از افراد ایرانی و غیر ایرانی این بود که بوسیله نام داران خود
ایرانیها استفاد خواهند کرد و بفرصت فوری از عدم تعرض اجانب نتیجه خواهند نمود و انصافاً چه کرده و چه نگردد

افسوس! همه یقین داریم که ابد هیچ
 قسم شما از محو این مملکت و برپایی ملت خود
 داری نخواهد کرد و هیچ ناله و زاری شما را
 متاثر نمی نماید، بی حتی ملت، مملکت خدوید
 شما جاری وجود نموده ولی به ایند
 چهار اصحابی باشد خدام
 قادر متعال که پیش از همه بپویت هر یک را
 بصیر و مطلع است اینهمه مخلوق و در این خود را
 الی الابد بدست شما سپرد خواهد که اوست در دست
 میشود که یک ملت بزرگی را محو نماید و پستازید
 اخرا لا را بدست همین ملت مظلوم از شما مقام
 گرفته و برای شما در تاریخ ایران فراموش و
 بدنامی جز دیگری بیاد گان نخواهد ماند.

اختیار خارجه
 ترجمه از جریده اچین روز

فرمانفرمای فتون آلمان بجمع کینه های اردونی کینه
 ای جنگلی انقلابی بجمع سربازان فرزند جواب داده
 است که برای مذاکرات صلح راضی است.
 رئیس جمهوری روسیه تکلیف کرده که مذاکرات

راجع بصلح پنج روز تاخیر یابند (یعنی تا ۱۹ نوامبر)
 تا در این مدت تکلیف صلح را مجدداً بدولت متفقین اطلاع
 داده و خیالات آنها را در این باب معین کند. در روز
 روسیه حرکات جنگی برضایت طرفین کسب نموده
 در هر دو طرف فتون تا نباید حرکتی کرده و همیشه باید
 ساکت بماند. راجع بصلح قطعی اقدام شده و مسئله
 صلح بطریق تاکید از طرف فله تا و دماقین انقلابی
 فاتح روسیه بمیان آمده است.

امروز تمام اصناف فرق و دودلهای سمجایب
 دعوت میشوند که بطور قطعی جواب دهند آیا حاضرند در
 ۱۹ نوامبر با یکدیگر برای صلح قسم بردارند یا نه!
 غلامی در بخیران قاریک ما در زمین از طراکت
 جنگ درستان منوط بچواب این سوال در صورتیکه
 عکس آن بروز کند باز خون اردو خواهد ریخت ما
 اعضای مشاوره (وزراء) روزی از طرف دول فرانسه
 انگلیس، ایالات آمریکا، صرب، رابون، کرده در
 مقابل تمام دنیا سوال میکنیم که آیا در اول ماه دسامبر
 فزگی (یعنی در ۱۹ نوامبر) برای مذاکرات صلح حاضرند یا نه!
 وزیراروسای شورای ملی ملل مالک متفقین و

آیا فضای ایران فضایی حیانت نده؟ آیا محیط ایران محیط تقصیر نگردید؟ آیا باران مرگ در اطراف ایران نیبارید؟
 آیا سبله های خون جاری نگردید؟ آیا از هر گوشه صدائی و از هر ناحیه ندائی برخیزد؟ آیا اسباب اتصال
 و محو میانگشته؟ آیا صبح و استغناء از فقر و فاقه بلند نده؟ آیا از جریع میوه زبان و فرخ میان عویش باقی مانده
 که تزلزل نده باشد؟ و آیا محوطه باقی مانده که از شک چیم بی غانمان تا و آواره شدگان آبیاری نده باشد؟
 آیا ناموس بر باد زفته و با عرضی باقی مانده؟ با همه سیاهی روزگار و درد های شمار که راسی برای نجات دست
 نزد و طریق سلامتی در پیش نداشتیم با همه هر چه تصور شود و هر چه کفشی است بلسان جراند گفته آید جمع از رو
 حق و غیرت دینی اسلامی و ملی و وطنی در صد و چارده روز کار سیاه بر آمده و در مقام تحصیل دومی در دمای سید
 قد مردانگی افزاشته و ذکر مصائب را بی توجیه دانسته بجز و تیز و فکر غیر خود بجلا و ده از تجربه و مراجع تاریخ از زبان
 کرم الی زمانه ها و شاه نامه نام و رعایت ترقی و تعالی هر نفسی سوختن بقا، هر نفسی را منحصراً با اتفاق معنوی و اتحاد حقیقی دانسته
 بقیه دارد

شماره نهم
 مخصوصاً انالی
 میکنیم که آیا راضی
 بی مقصد و کوه
 اردو پاراپلوج کوه
 درخواست میکنیم
 در ۱۹ نوامبر
 کنند یا خیر بر
 ای سر باران
 میخواهید با اتفاق
 این دکلام
 ترک و بلغار
 تکلیف میکنیم
 تا این پذیرا
 فله و زار
 تقدیم کرده
 در سایه داران
 عدم اجبار ملت
 یک اساس
 تکلیف میکنیم که
 در جواب
 حکومت شوروی
 ما داخل مذاکرات
 حکومت فله
 دیپلماتهای سر
 سوال میکنیم آیا
 عیناً عادی افکار
 آیا انالی رضا
 انقلاب روس

نوامبر
متفق
انت
در
شده
بیش
ده
انقلابی
مطالب
بایز
دانه
از
در
در
ما
فران
کرده
ماه
ما
متفق
ان
استقبال
عوش
شده
نجات
جمع
و
نرخ
حقیقی
قیمه

مخصوصاً انالی زحمت کش آنها را خطاب کرده ام
میکنیم که آیا راضی هستند این زود خوردنی معنای
بی مقصد و کور کورانه را مدت داده و در وقت
اروپا را بپوش کنند ما از فرق فعله ممالک متفق
درخواست میکنیم بجز جواب دهند که آیا میخواهند
در ۱۹ نوامبر بلا تأخیر برای مذاکرات صلح اقدام
کنند یا خیر بسند صورت قطعی مد کرده.

ای سران این ای فعله ما و ای زارعین بنجر آیا
منخواهید با اتفاق ما اقدام قطعی در صلح کنید؟
این دکلاهی شورای ملت فعله های آلمان طرز
ترک و بلغار را خطاب ساخته میگویند آن صلحی را که
با تکلیف میکنیم باید تکامل اقتصادی و مدنی هر طرفه را
تأین پذیر باشد.

فعله وزارتین انقلابی روسیه مرامنامه صلح خود
را تقدیم کرده و معاهداتی را هم که یک پادشاه روس
در سرایه داران با متفقین خود تعیین کرده است اعلان و
عدم اجبار ملت را در این معاهدات بیان نمودیم با
یک اساس استلاف آمیز و یک عملی تمام طوائف
تکلیف میکنیم که معاهده جدید بنویسند.

در جواب این تکلیف ما دکلاهی رسمی ممالک متفق
حکومت شوروی را قبول نکرده و نخواهیم پذیرفت
ما داخل مذاکرات صلح نشویم.

حکومت فاتح انقلابی احتیاج بمقبول شدن
دیپلماتهای سرایه داران را در دلی ما از ملل آن ممالک
سوال میکنیم آیا با اظهار دیانات و دیپلماتهای ارتجاعی
عیناً عادی افکار و معاصدهای آنهاست یا خیر

آیا انالی رضایت میدهند که این وسیله صلحی را که
انقلاب روسیه بچنگ آورده و دیپلماتها از دست میدهند

یا خیر؟

جواب این سوالات را از با حرف بلکه عملاً باید
بفورتیت بدهند.

قشون روس و انالی روس نمیتوانند پیش ازین
مطربمانند در ۱۹ نوامبر با داخل در مذاکرات صلح
می شویم.

هرگاه طوائف متفق دکلاهی خودشان را در وقت
در آنوقت با خود مان مبنائی با آنها شروع نکرده
خواهیم نمود.

ما در حد و تکمیل صلح عمومی هستیم هرگاه سرایه
داران ممالک متفق ما را مجبور بصلح انفرادی کنند
جوابنده آن بکلی خود آنها خواهند بود.

اخبار شهری

آقای معتمد السلطنه کارگزار که کفیل اداره حکومتی نیز
میباشد در کمال مراقبت و اهتمام موجب حفظ
نظم شهر و رفاه انالی است حقیقتاً لیاقت در دستگیر
این نامور و طیفه شناس دولت سزاوار تجرد و
تقدیر است.

دلی از اینکه اولیای امور میل ندارند بکنفران مورگان
دید هیچ ناچیه باشد چنانکه آسمان کرده بود و در وقت
بجای قدر دانی و تشویق محض اجرای میل خود ایشان
دیگران ایشان را بر سر در دلیف سایر اصحاب
این صحیح العمل حاصل نگذارند.

مجازات

امیرخان تولا دار عدلیه که برای بروز خیانت مقصود
بود بعد از استطلاق وثبوت تقصیر محکوم بخوردن پنجاه
تدبیه و بکانه حبس شد و این مجازات هم در حبس عدلیه مورگان
در مجازات است که با هر چند خود را در آن مرتکب خیانت عدلیه

احطار

برای احترام اوقات غواشغال تغریه داری در این هفته روزنامه ماطع و نشر نمود ادبیات کیلگی ای برار بشو بطهران تو بدین آینه وزیران مآبدانی حال ایران

که تمام شلوق بلوغه همه وقت تق و توغه

انگلیس شوم و غدار عالم در روز یک و مکار باورده آفر سیر کار

مردم خائن و دروغه همه وقت تق و توغه

انگلیس که داره سینه پر زشم و قبض و کینه خوب بهم بزه کابینه

ده کابینه بی فسو همه وقت تق و توغه

در جنوب پیر از بلبلت خوانفر ما هم ریت لایق داس و ویت

آب خسه فانم دروغه همه وقت تق و توغه

اندره بشو برار جان تو سمیت حزب ایران تا بویخ همسم که دلان

او طرف هم در بلوغه

همه وقت تق و توغه

براران گویا نارید حس که اسپم چیز و مفلس انگلیسان ندلس

فاکیتید آینه آذوغه همه وقت تق و توغه

چیز ندیدند آیا میدانید؟

وزیر بحریه داریم کتی ندایم تحت البحری ندایم وزیر بیته داریم برلی آنکه هموره کنداشد وزیر دغله داریم داریم آقا.....!

وزیر خارجه نداریم چرا نداریم؟ اصلأ عدالت نداریم وزیر عدلیه نداریم وزیر پست و تلگراف داریم پس آقای امین الملک چکاره!

وزیر مالیه نداریم بجد نداریم وزیر تجارت و اوند عا نداریم راستی نداریم وزیر جنگ نداریم وزیر صلح هم نداریم

وزیر معارف نداریم اخبار دارید معرفت نداریم والا حضرت اشرف آقای وثوق الدوله بهین زودی بکوری چشم خود امتیاز کل مدارس ایران را به پرتو سانبها انگلیس خواهند و گذار نمود و بفوریت ایران رنگ پاریس و لندن خواهد گشت غیر از این با همه را داریم

امید واری

ژرستینیل بر دولت وطنی که برای منافع انگلیس جان فانی کند او را بر سمیت نخواهد شناخت و قیامه دوستی را بنیاسد) ایرانیان باید از دولت فحیمه انگلیس امید واری پیدا کنند بواسطه تکلیف پس جنوب و غرب لابد اینم رسمی خواهند بود.

جای ادا

دیر - نلام

تکرات

باید سنوار

فوسن

بر اچاره ربع

کت نمره غنچه

این روز

بعضی از جراید

جنگل را تقید

و انصاف مطا

جوابیکه مکلوا از

ماجان

ولی از اینکه مکل

اوان سا

در مقام دفاع

مقا

بدی

مادر پانار

میکنیم با انصاف

بعضی از جراید

مصدق قرار

مانت تمام

شراب الیهودی

با نچه نغای متر